

تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

جلال درخشه*

اصغر افتخاری**

محسن ردادی***

چکیده

تحلیل مضمون یکی از روش‌های کیفی است که در علوم اجتماعی کاربردهای زیادی دارد. مقاله‌ی حاضر با طرح این پرسش که «اعتماد در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای چه جایگاهی دارد؟» در صدد است با استفاده از این روش به آن پاسخ دهد. ابتدا روش تحلیل مضمونی توضیح داده می‌شود و با مقایسه‌ی آن با سایر روش‌های تحقیق کیفی تلاش می‌شود نقاط قوت و ضعف این روش معرفی گردد. سپس تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای صورت می‌گیرد. سه مضمون اصلی و فراگیری که از تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی به دست آمده است عبارتند از: «اعتماد متقابل است»، «اعتماد عمومی ضروری است» و «کاهش اعتماد موجب زوال نظام سیاسی می‌گردد».

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی کیفی، روش تحلیل مضمون، اعتماد سیاسی، اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی

۱. مقدمه

«تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند.

* استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) j.dorakhshah@yahoo.com

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) eftekharisag@gmail.com

*** هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول) Mohsen1404@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۴، تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۳۰

(Boyatzis; ۱۹۹۸) تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

برای تحلیل مضمون می‌توان از نرم‌افزارهای تحلیل محتوای کیفی نیز بهره گرفت. در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌ی نرم‌افزارهای تحقیق کیفی، هم به لحاظ تنوع و هم به لحاظ کارایی آن‌ها صورت گرفته است. این امر باعث شده پژوهشگران با سرعت و دقت بیشتر و زمان کمتری، تحقیقات را انجام دهند. برخی نرم‌افزارهایی که تحلیل مضمون را می‌توان به کمک آنها انجام داد عبارت‌اند از: NVivo, ti.ATLAS, CAITA, Kwalitan, Quarlus, MAXQDA, Weft QDA البته واضح است که نرم‌افزارهای رایانه‌ای فقط قادرند در سازماندهی و بازیابی داده‌ها پژوهشگر را یاری نمایند و در تحلیل محتوای معنا و مفاهیم ناتوانند. استفاده از چنین نرم‌افزارهایی پژوهشگر را قادر می‌کند به طور مؤثر و کارآمد با مضامین پیچیده و حجم زیادی از داده‌های کدگذاشته، کار کند. تولید جدول، طرح‌های گرافیکی و تارنما، از جمله خدماتی است که این نرم‌افزارها ارائه می‌کنند و تحلیل مضامین موجود در متن را تسهیل می‌نمایند.

در نوشتار حاضر مراحل انجام این روش برای استخراج شبکه‌ی مضمونی اعتماد در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی گام به گام پیش برده می‌شود. این روش فرایندی است که ورودی آن جملات و گفتارهای رهبر انقلاب اسلامی است و پس از طی فرایند تحلیل مضامین، ما به شبکه‌هایی از مفاهیم که دارای سطح‌بندی هستند می‌رسیم. سطح‌بندی مضامین به این معناست که برخی از مضامین مهم‌تر (که انتزاعی‌تر هم هستند) در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرند و سایر مضامین پیرامون این مضامین اصلی سازمان می‌یابند.

۲. روش تحلیل مضمونی

به طور کلی، روش‌های تحلیل کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته، روش‌هایی هستند که عمدتاً از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی تأثیر می‌پذیرند

و در نتیجه در کاربرد چهار محدودیت‌هایی هستند. (مانند «تحلیل محاوره» (Conversation Analysis)، «تحلیل پدیدارشناسی تفسیری» (Interpretative Phenomenological Analysis) و «تحلیل گفتمان» (Discourse Analysis) برخی از این روش‌ها مانند «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» (Grounded Theory) از چارچوب نظری کلانی بهره می‌برد. دسته‌ی دوم روش‌هایی هستند که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد. (Braun, ۲۰۰۶: ۵) این روش از روش‌های پایه‌ای در تحلیل داده‌ها شمرده می‌شود و نقطه‌ی قوت آن این است که محدودیت‌های مفروضات روش‌هایی همانند تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) را ندارد.

«تحلیل محتوا» (Content Analysis) یکی از روش‌هایی است که می‌تواند جهت شناخت الگوهای داده‌های کیفی به کار رود و تا حدودی شبیه تحلیل مضمون است. با این حال، تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و غالباً فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند. یکی از اشکالات تحلیل محتوا این است که یا معمولاً به بافت داده‌ها توجه نمی‌شود یا بسیار کم توجه می‌شود و این امر باعث می‌شود غنای داده‌ها به شدت کاسته شود. ولی در تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها، بیشتر توجه می‌شود. همچنین، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس، از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. در تحلیل مضمون می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آن‌ها و تهیه ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد. (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. البته به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود و به همین دلیل تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب می‌کند. اگر چه انعطاف‌پذیری، مزیت تحلیل مضمون است اما می‌تواند عیب نیز باشد زیرا رهنمودهای خاصی برای تحلیل‌های سطح بالاتر عرضه نمی‌کند؛ از این رو پژوهشگر اغلب ناچار است خودش تصمیم بگیرد که به چیزی در

داده‌ها تمرکز کند. عیب دیگر تحلیل مضمون - در مقایسه با سایر روش‌های تحلیل کیفی - این است که بر خلاف روش‌های تحلیل روایت یا شرح حال نویسی، پژوهشگر نمی‌تواند حالت تداوم و تناقض موجود میان داده‌ها را حفظ کند و این تناقض‌ها و ناهمخوانی‌های میان داده‌ها ممکن است نشان داده شود. همچنین، بر خلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوا، تحلیل مضمون ساده به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد درباره زبان استفاده شده در متن، ادعاهایی کند.

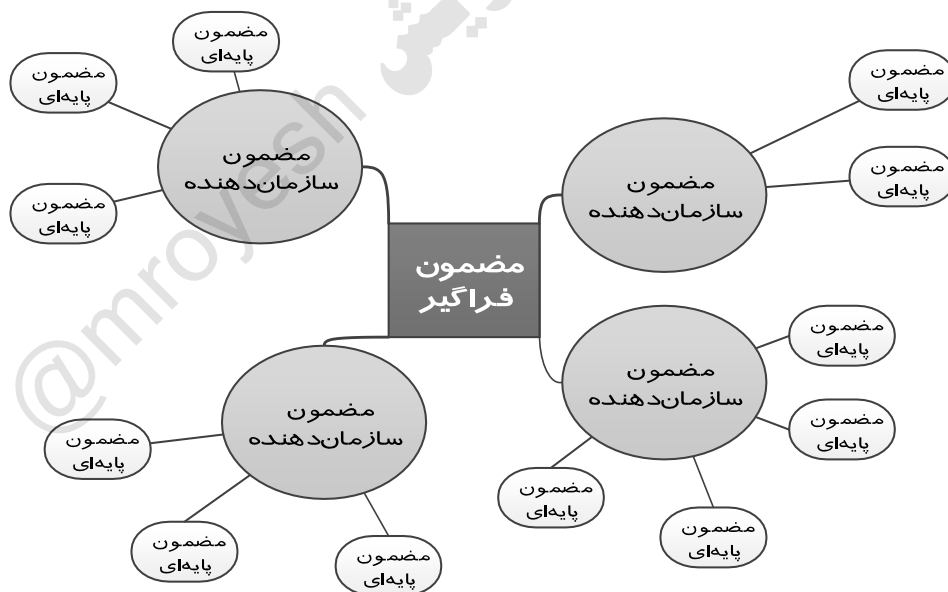
تحلیل مضمون به روش‌های گوناگونی قابل اجرا و استفاده است. ۴ روش مرسوم در تحلیل مضمون به این شرح هستند: (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۷۲)

۱. قالب مضامین (Template Analysis) معمولاً در تحقیقاتی که تعداد متون و داده‌های آن‌ها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع) «قالب مضامین» به کار گرفته می‌شود. این روش را نخستین بار «کینگ و هوراکز» (King & Horrocks) معرفی کردند. (King, ۲۰۱۰) → در این روش فهرستی از مضامین شناخته در ادبیات نظری و یا استخراج شده از متن داده‌ها به صورت درختی و سلسله مراتبی تنظیم می‌گردد. ویژگی کلیدی این روش، سازماندهی سلسله مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آنها است. پژوهشگر می‌تواند جهت سازماندهی مضامین شناخته، از چهار یا پنج سطح استفاده کند. پس از ایجاد قالب مضامین، این قالب به طور پیوسته، بازبینی و اصلاح می‌شود تا جایی که درک کاملی از متن برای پژوهشگر فراهم شود.

۲. ماتریس مضامین (Thematic Matrix): از ماتریس مضامین جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود. این روش را اولین بار «مایلز و هابرمین» (Miles & Huberman) استفاده کردند. (Miles, ۱۹۹۴) → ماتریس، اساساً از تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها شکل می‌گیرد و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، عرضه می‌شود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین می‌تواند به مضمون‌ها یا منبع داده‌ها یا سایر موارد اختصاص یابد.

۳. شبکه‌ی مضامین (Thematic Network): شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که «آتراید-استیرلینگ» (Attride-Stirling). آن را توسعه داده است. (Stirling-Attride, ۲۰۰۱) → آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقش‌های شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه‌ی مضامین، بر اساس روندی

مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های (Stirling-Attride, ۲۰۰۱: ۳۸۸) اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آیند (مضامین فراگیر) (Stirling-Attride, ۲۰۰۱: ۳۸۸)؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته‌ی هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. بر خلاف روش قالب مضامین، شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تاکید شود. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون (یا مضامین) اصلی متن دست پیدا کنیم. (Attride-Stirling, ۲۰۰۱: ۳)



نمودار ۱: ساختار یک شبکه مضمونی (Attride-Stirling, 2001: 388)

۳. تحلیل مقایسه‌ای (Comparative Analysis): یکی دیگر از روش‌هایی که همراه با تحلیل مضمون به کار می‌رود، تحلیل مقایسه‌ای است. با این روش، مضامین در بین منابع و افراد مختلف با هم مقایسه می‌شوند. از آنجایی که در تحلیل مضمون، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، هم‌زمان است، از تحلیل مقایسه‌ای هنگام جمع‌آوری اطلاعات، کدگذاری داده‌ها، مرور ادبیات نظری و یادداشت‌های پژوهشگر استفاده می‌شود. با این روش، داده‌های به دست آمده از منابع مختلف، با یکدیگر مقایسه و تطبیق می‌شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها، شناخته شود؛ این فرایند تا جایی ادامه می‌یابد که پژوهشگر احساس کند نکته جدیدی از مقایسه داده‌ها حاصل نمی‌شود. از تحلیل مقایسه‌ای می‌توان برای مقایسه مضامین در بین پاسخ‌دهندگان مختلف (بر اساس جنسیت، سن، سمت و ...) و همچنین برای منابع مختلف داده‌ها (مانند مصاحبه، پرسشنامه، گروه کانونی و ...) استفاده کرد.

مضمون یا تم مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون را می‌توان الگویی دانست که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به طور کلی، مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه‌ی خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است. (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

شناخت مضمون، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه‌ی محقق درباره موضوع، در نحوه شناخت مضامین، تأثیر می‌گذارد. از آنجا که تحلیل مضمون تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز - که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند - چقدر است. بنابراین، مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد. (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۱)

همانطور که گفته شد تحلیل مضمونی به روش‌های گوناگون انجام می‌گیرد. در این نوشتار از روش تحلیل «شبکه‌ی مضمونی» که توسط «آتراید-استرلینگ» (Attride-

(Stirling) معرفی شده بهره برده می‌شود. در این روش تلاش می‌شود از متن به مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر دست پیدا کنیم. تحلیل شبکه‌ی مضمونی را می‌توان به طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم نمود: اول تجزیه‌ی متن، دوم اکتشاف متن و سوم یکپارچه کردن اکتشاف‌ها (Stirling-Attride, ۲۰۰۱: ۳۹۰). مراحل‌ی که برای یافتن شبکه‌ی مضمونی لازم است طی شود در جدول نشان داده شده است.

مرحله‌ی تحلیلی	گام	اقدام
الف) تحویل یا خرد کردن متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به پاره‌گفتارها با استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: شناخت مضامین	انتزاع مضامین از پاره‌گفتارها تصحیح مضامین
	گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	منظم کردن مضامین یافتن مضامین پایه‌ای بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده استخراج مضمون (مضامین) فراگیر ترسیم شبکه (های) مضمونی بازبینی و تصحیح شبکه (های) مضمونی
ب) کاوش متن	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه اکتشاف شبکه
	گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	
ج) یکپارچه‌سازی اکتشاف‌ها	گام ششم: توصیف الگوها	

جدول ۱: مراحل تنظیم شبکه‌ی مضمونی (Stirling-Attride, ۲۰۰۱: ۳۹۱)

۳. تعریف اعتماد

تعریف‌هایی که از اعتماد صورت گرفته در دو دسته‌ی کلی قابل تقسیم‌بندی است:

۳-۱. باور و تعهد: تعریف بر اساس مؤلفه‌ها

اعتماد یک رابطه‌ی دوطرفه است. یکی از طرفین، تعهد می‌سپارد که اقدامی را انجام دهد (و یا انجام ندهد) و دیگری این تعهد را قبول می‌کند و ممکن است بر مبنای این تعهد، امتیازاتی را برای فرد اول قائل شود. در این صورت می‌توان گفت که پدیده‌ی اعتماد اتفاق افتاده است. برخی از تعریف‌های صورت گرفته در این چهارچوب عبارتند از:

- «تردید نسبت به کنش‌های احتمالی دیگران در آینده» (ز تومکا: ۱۳۸۶: ۵۰)

- «اطمینان متقابل که هیچ یک از طرفین حاضر نمی‌شود از آسیب‌پذیری طرف مقابل برای کسب منفعت استفاده نماید.» (Charles Sabel: ۱۹۹۳) (→)

- «اعتماد، یک «جهت‌گیری برهمکنشی» است که میان خود و دیگرانی که در این رابطه حضور دارند شکل می‌گیرد. شاخصه‌ی این رابطه، این است که فرد معتقد است که دیگران در تصمیم‌سازی، دیدگاه او را لحاظ خواهند کرد و اقدامی مغایر با اصول و استانداردهای این رابطه مرتکب نخواهند شد.» (Weber, ۱۹۹۸) (→)

- «اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود.» (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۱)

برخی از جامعه‌شناسان، که استفاده از مفهوم «انتظار» را برای توصیف اعتماد بیش از حد عقلانی و منطقی (Rational) می‌دانند، از تعریف چند وجهی برای توصیف اعتماد بهره می‌گیرند. آنها فهم اعتماد را بر اساس جنبه‌های شناختی (Cognitive) حساسی (Emotional) و رفتاری (Behavioral) بنا می‌نهند. از نظر شناختی اعتماد شامل تصمیم‌گیری در مورد اینکه به چه کسی می‌توانیم اعتماد کنیم و به چه کسی نباید اعتماد نماییم می‌شود. اعتماد از جنبه احساسی، نیرویی است که برای سرمایه‌گذاری‌های احساسی قوی به کار می‌رود. از جنبه رفتاری افراد در مواجهه با برهم‌کنش‌هایی که ذاتاً غیر قطعی است، نسبت به رفتار دیگران قطعیت و اطمینان نشان می‌دهند. (Weber, ۱۹۹۸) (→)

۲-۳. تفویض اختیار: تعریف بر اساس کارکردها

یکی از کارکردهای اصلی اعتماد، بهره‌مندی از منابع خارج از دسترس می‌باشد که با کسب اختیار از سوی دارندگان این منابع حاصل می‌گردد. تفویض اختیار، به عنوان کارکرد اعتماد، دست‌مایه‌ی تعریف این مفهوم از سوی برخی صاحب‌نظران شده است. دییگو گامبتا (Diego Gambetta) اعتماد را اینگونه توصیف می‌نماید: «تصمیم آزادانه‌ی کسی برای بخشیدن اختیار به فرد دیگری، که بر پایه‌ی ارزیابی احتمالی واکنش طرف مقابل قرار دارد. اعتماد یک سطح خاص ذهنی است که یک فرد، با ارزیابی یک کارگزار یا گروهی از کارگزاران، رفتار خاصی را به نمایش می‌گذارد.» (Luke: ۲۰۰۸)

۴. اهمیت و ضرورت اعتماد

اعتماد همیشه مهم بوده است. اما برخی رخداد‌های جدید موجب شده است که اعتماد در جامعه‌ی مدرن، اهمیت بیشتری پیدا کند و این اهمیت هر روز افزایش یابد: (یک) افزایش قدرت انتخاب انسان‌ها: بزرگترین سرمایه در عصر انفجار اطلاعات، پول، زمین و حتی دانش نیست. بلکه در اختیار داشتن ابزارهایی است که از سوی مردم معتبر و قابل اعتماد شناخته شده و می‌تواند به اعتماد مردم جهت دهد. به همین دلیل غول‌های اقتصادی و سیاسی، روابط خوبی با رسانه‌های جمعی فراگیر برقرار می‌کنند و تا حد ممکن آنها را در اختیار خود می‌گیرند. زیرا این رسانه‌ها هستند که می‌توانند افراد را قابل اعتماد و یا غیرقابل اعتماد نشان دهند.

(دو) تخصصی شدن نیازها: با تخصصی شدن شدید جامعه، اعتماد اهمیت بیشتری می‌یابد. عامه‌ی مردم باید به همه کسانی که درگیر فعالیتهای نمایندگی هستند و از طرف آنها در عرصه حکومت، اقتصاد، فناوری و علم عمل می‌کنند، اعتماد نمایند.

(سه) افزایش وابستگی‌ها: نتیجه‌ی تخصصی شدن، افزایش وابستگی است. در درون هر جامعه‌ای تمایز و تخصص نقش‌ها، کارکردها و مشاغل سهم بسیار مهمی پیدا کرده‌اند که نشانگر همبستگی ارگانیک حتی در معنایی اساسی‌تر از معنای دورکیمی آن می‌باشد. فرآیند جهانی شدن این وضعیت را تشدید کرده است. به دلیل تقسیم کار، وابستگی افراد به هم زیاد شده است و کنش‌های ما به گونه‌ای است که مجبوریم به دیگران اعتماد کنیم که کارشان را به درستی انجام می‌دهند.

چهار) افزایش ارتباط با غریبه‌ها: حضور فراگیر مردم غریبه و ناآشنا در محیط زندگیمان از دیگر ویژگی‌های جامعه‌ی معاصر است. برای کنار آمدن با غریبه‌ها اعتماد یک منبع ضروری است

پنج) توسعه‌ی سیاسی جوامع: اعتماد بعد مهمی از فرهنگ مدنی است. اعتماد سیاسی بازتابی از وجود جو گسترده‌ی اعتماد در جامعه است و حضورش پیش‌شرط ضروری برای وجود یک نظام سیاسی پویا و زنده است. اعتماد به عنوان کلید فرهنگ سیاسی مدنی در نظر گرفته می‌شود. «اعتماد، یک احساس اجتماعی (Social Emotion) است که برای همکاری و سازماندهی اجتماعی ضروری است.» (Sabel, ۱۹۹۳ →) اجتماع متجانس شهروندان متعهد و وفادار به اقتدار سیاسی، بدون اعتماد افقی به یکدیگر و نیز بدون اعتماد عمودی به نهادهای عمومی نمی‌تواند وجود داشته باشد. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۷)

شش. افزایش ارتباطات: اعتماد یک عنصر حیاتی برای ارتباط فردی، تجاری و سیاسی است و باید اذعان کرد که بدون اعتماد امکان ارتباط مناسب در زمینه‌های بالا وجود ندارد. (Doran, ۲۰۰۸ →)

هفت) امنیت روانی: انتظار آسیب دیدن از دیگر شهروندان و نهادها، نمی‌تواند فرد را آسوده‌خاطر بگذارد و آسایش فکری را از او سلب می‌نماید. تحت شرایط بی‌اعتمادی کامل، شخص دچار نوعی جنون می‌شود و نمی‌تواند ادامه حیات دهد. (Hardin, ۱۹۹۳ →)

۵. کارکردهای اعتماد

اعتماد به دلیل کارکردهایی که در اجتماع دارد، اهمیت یافته و مورد توجه قرار گرفته است. اگر دولت و اشخاص، در افزایش سرمایه‌ی اعتماد خود اصرار دارند برای برخوردار شدن از منافع این کارکردهاست. کارکردهای اعتماد برای ایجاد ارتباط مؤثر میان مردم جامعه، به این شرح است:

۵-۱. تعاون

یکی از مهمترین کارکردهای اعتماد، «تعاون» و همکاری است. همکاری در فضایی اعتمادآمیز امکان وقوع دارد. اگر بی‌اعتمادی غالب باشد کسی حاضر نیست هزینه‌ی اعتماد کردن را متحمل شود. افراد در این فضا ترجیح می‌دهند که به صورت انفرادی کار کنند و برای رسیدن به اهداف جمعی تلاشی نمی‌کنند. البته این وضع، به نفع هیچ‌کس نیست. زیرا

خطرگریزی و بی‌اعتمادی افراطی، گزینه‌های مطلوب را از دسترس کنشگران دور نموده و از برخی منافع محروم می‌نماید. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۵)

اما اگر اعتماد وجود داشته باشد، افراد گروه و اجتماع با آغوش باز حاضر به همکاری هستند و برای رسیدن به اهداف جمعی تلاش می‌نمایند. جمعی عمل کردن افراد برای تحقق اهداف مشترکی که نمی‌تواند به صورت فردی محقق شود، از راه تعاون و تشریک مساعی امکان‌پذیر است. (زتومکا: ۱۳۸۶: ۱۱۴)

معمولاً اعتماد در شرایط اضطرار یا امید به کسب منفعت باعث تعاون و همکاری می‌شود. (Barbalet, ۱۹۹۶) تعاون و هم‌یاری یکی از ابزارهای مهم تحقق بخشیدن به اهداف ملی و گروهی است. برای همه‌ی مشارکت‌کنندگان، منفعتی که از تعاون نصیب تک‌تک افراد می‌شود بیش از منفعتی که فرد به صورت انفرادی قادر به کسب آن بود. این منفعت اضافی در معارف اسلامی «برکت» نامیده می‌شود. کار جمعی یکی از روش‌های کسب برکت است.

۵-۲. انسجام و پیوستگی اجتماعی

اعتماد مانند چسبی است که اعضای جامعه را به هم می‌چسباند و در کنار هم نگاه می‌دارد. این کارکرد مهم اعتماد، برای جامعه ضروری و حیاتی است. زیرا اگر اعتماد کاهش یابد، اجتماع در خطر سقوط و فروپاشی قرار می‌گیرد. اعضای یک جامعه بی‌اعتماد، از برقراری اعتماد با دیگران واهمه دارند و خطرناک دانستن برقراری ارتباط با دیگران، در ذهنیت و رفتار افراد جلوه‌گر می‌شود. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۱) آنها از جانب دیگر شهروندان احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند و همواره انتظار دارند که آسیبی از سوی دیگران به آنها برسد. طبیعی است که در این شرایط انتظار پیوستگی میان افراد جامعه، بیهوده است.

یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی عاری از اعتماد، پیدایش «جماعت تنها» (Lonely crowd) و «جامعه‌ی غریبه‌ها» (Society of strangers) است. واقعیت این است که به هر اجتماعی از انسان‌ها نمی‌توان یک جامعه گفت. حداقل نمی‌توان آن را مصداق یک جامعه‌ی سالم و طبیعی دانست. در واقع تعداد زیادی انسان که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند ولی کمترین اعتمادی به هم ندارند در انزوا و تنهایی به سر می‌برند.

۵-۳. کاهش نیاز به نظارت مستقیم

اگر انگیزه‌ی اعتماد و قابلیت اعتماد در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، هیچ‌کس از دیگری ایمن نیست و احتمال زیادی دارد که افراد برای کسب منافع شخصی، به دیگران و جامعه آسیب بزنند. در این صورت نظام سیاسی و اجتماعی مجبور است برای نظارت بر توزیع قدرت و ثروت و دانش، کنترل شدیدی را برقرار نماید. در فضای بی‌اعتمادی همواره مورد سوء ظن و نظارت شدید هستیم.

اگرچه بدون وجود نظارت، زندگی اجتماعی از هم گسیخته می‌شود، اما نیازی نیست که حتماً این نظارت جنبه‌ی بیرونی داشته باشد. می‌توان به گونه‌ای مردم جامعه را بار آورد که خودنظارتی در میان آنها وجود داشته باشد. یعنی یک کنترل درونی در افراد جامعه به وجود آید که احتمال خطا و جرم را کاهش دهد. اعتماد، نظارت مستقیم را غیرضروری می‌نماید. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۴) با وجود اعتماد زیاد در جامعه، خود کنترلی تقویت می‌شود. هرچه قابلیت اعتماد فرد بیشتر شود، دولت و سایر مردم بیشتر می‌توانند به وی اعتماد کنند و در نتیجه ریسک و احتمال رفتار غیر قابل پیش‌بینی کاهش می‌یابد و در نتیجه کمتر به نظارت مستقیم نیاز می‌گردد. خود فرد نیز برای ازدست ندادن اعتماد، خودکنترلی انجام می‌دهد. (زتومکا: ۱۳۸۶: ۱۴۸)

نظارت مستقیم چه ایرادی دارد؟ مهمترین ایراد نظارت مستقیم این است که هزینه‌ی زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند. هزینه‌ی یک کنترل واقعی بسیار سنگین است. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۴) به علاوه همه‌جا نمی‌توان از نظارت مستقیم استفاده کرد. مثلاً نمی‌توان انتظار داشت که بر کار همه‌ی مقامات امنیتی که با مسائل محرمانه سر و کار دارند نظارت کاملی برقرار شود. اعتماد در جایی که نظارت توجیه‌پذیر نیست یا هزینه‌های سنگینی در بر دارد مفید است. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۱)

۵-۴. افزایش مناسبات اجتماعی و سیاسی

تعامل با دیگران در فضای اعتماد انجام می‌گیرد. در بی‌اعتمادی افراد فرصت‌ها را از دست می‌دهند. (زتومکا: ۱۳۸۶: ۱۴۸) در واقع اگر اعتماد کم باشد، ریسک تعاملات بسیار زیاد می‌شود. در نتیجه افراد احساس می‌کنند که اگر با دیگران وارد تعامل شوند، ممکن است متضرر شوند. بنابراین ترجیح می‌دهند به صورت انفرادی کارهای خود را پیش ببرند. در

این فضا، کارهای جمعی زیاد مشاهده نمی‌شود و غالباً به شکست می‌انجامد. در تحقیق جامعی که آلموند و وربا انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که اعتقاد به خوش‌قلبی و نوع‌دوستی در فرد نسبت به دیگر شهروندان، رابطه‌ی مستقیمی با گرایش و میل او به ورود و پیوستن به فعالیت سیاسی دیگران دارد. (زومکا: ۱۳۸۶: ۱۸۳)

۵-۵. افزایش نوآوری

اعتماد موجب می‌شود که از فرد محافظت شود و اشتباهاتی را که در طی مسیر نوآوری مرتکب می‌شود، نادیده گرفته و بخشیده شود. (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۷) در واقع اعتماد، یک حاشیه‌ی امن ایجاد می‌کند که در پناه آن امکان اکتشافات جدید فراهم می‌گردد. فرد مورد اعتماد می‌داند که حتی اگر مرتکب اشتباه هم شود، مورد مؤاخذه‌ی شدید قرار نمی‌گیرد و بنابراین با اطمینان به آزمودن راه و روش‌های جدید می‌پردازد.

۶. مضامین مرتبط با اعتماد در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی

۶-۱. تحویل متن

در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است از متن اصلی مضمون‌های پایه‌ای استخراج شود. در اینجا متن اصلی که نقل قول‌هایی از رهبری انقلاب اسلامی است قبلاً انتخاب شده و در قالب کدهایی سازماندهی شده‌اند. هر کدام از این نقل قول‌ها حاوی مضمونی است که به با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌گردد. این مضامین که از متن اصلی استخراج شده‌اند، «مضامین پایه‌ای» نامیده می‌شوند.

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱.	ما حرفمان با مردم بر مبنای اعتماد متقابل است... مردم به این حقیر ضعیف اعتماد کردند، بنده هم به تک تک این ملت اعتماد دارم. (۲۰/۰۱/۱۳۹۴)	رهبری به تک تک مردم اعتماد دارد
۲.	امام، ملت را به صحنه آورد؛ به مردم اعتماد کرد، مردم هم خودشان را نشان دادند. وقتی او به مردم اعتماد کرد، مردم هم به او اعتماد کردند. (۳۱/۰۵/۱۳۸۵)	امام خمینی به مردم اعتماد داشت
۳.	سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت میداد، شجاعت میداد و استقامت میداد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه‌ی حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. (۱۴/۰۳/۱۳۹۲)	امام خمینی به مردم باور داشت
۴.	به این حرکت عمومی اعتماد دارم (۲۰/۰۱/۱۳۹۴)	رهبری به حرکت عمومی اعتماد دارد
۵.	در آن زمان جریانی وجود داشت، که به ایشان گفتم در دنیا نسبت به این جریان علیه ما خیلی حرف است... امام (ره) در پاسخ من با لبخند رضایتی گفتند: بلی، اطلاع دارم؛ اما همه‌ی ملتها با ما هستند. (۲۳/۰۴/۱۳۶۸)	امام خمینی به ملت‌ها اعتماد داشت
۶.	این دست خدا است؛ خدا را می‌بینیم، اعتماد میکنیم به این حرکت مردمی، به این احساس مردمی، به این صدق و بصیرت مردمی اعتماد میکنیم (۲۰/۰۱/۱۳۹۴)	اعتماد به مردم ریشه‌ی الهی دارد
۷.	دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیّت و تواناییهای ملت را بدرستی بپذیرد (۰۱/۰۱/۱۳۹۴)	دولت باید مردم را قبول داشته باشد
۸.	وظیفه‌ی آحاد مردم در قبال مسئولین، اعتماد کردن و همراه بودن با آنهاست. (۰۶/۱۱/۱۳۸۸)	اعتماد به مسئولین وظیفه است
۹.	به تک تک آحاد مردم توصیه می‌کنم، که حس اعتمادتان را نسبت به کارگزاران کشور از دست ندهید. (۲۸/۰۷/۱۳۶۸)	مردم نباید نسبت به کارگزاران بی‌اعتماد شوند
۱۰.	دولتها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتّی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند. (۰۱/۰۱/۱۳۹۴)	دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت همه‌ی مردم قرار داشته باشند
۱۱.	به هیچ وجه نباید از اشتباهات و خطاهایی که غالباً در مراتب دوم و سوم دولت انجام میگیرد، دفاع شود. اگر کسی خطایی کرده است، باید به او گوشزد شود و هیچ کس نباید دفاع کند. (۱۱/۰۳/۱۳۷۳)	اعتماد به مسئولین وظیفه است اما اشکالات دولت بیان شود
۱۲.	هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولتها بدبین سازد، اینجا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن، و توطئه‌ی دشمن را بر ملا میکند. (۱۳۷۶/۰۹/۰۵)	رهبری اجازه نمی‌دهد مردم نسبت به دولت بی‌اعتماد شوند
۱۳.	من از همه‌ی دولتها در دوران مسئولیّت خودم حمایت کردم. (۱۳۹۴/۰۱/۰۱)	رهبری از همه‌ی دولت‌ها حمایت می‌کند
۱۴.	کسی را که مردم انتخاب کنند و رئیس جمهور قانونی کشور شود، همیشه مورد احترام و تکریم و حمایت جامع رهبری در همه‌ی دولتها بوده؛ بعد از این هم باید باشد. (۱۳۸۴/۰۲/۱۱)	منتخب مردم، مورد اعتماد و احترام رهبری است

۱۵.	به‌خدای متعال باید حسن‌ظن داشته‌باشیم. خداوند متعال ملامت میکند آن کسانی‌را که به او حسن‌ظن ندارند؛ سوءظن به خدا دارند. (۱۳۹۰/۱۰/۰۷)	باید به خداوند اعتماد داشت
۱۶.	در راه خدا حرکت کنید، خدای متعال کمک می‌کند. حالا این فقط هم وعده‌ی الهی نیست. ما اگر آدمهای دیرباوری هم باشیم، آدمهای کورباطنی هم باشیم که نتوانیم درست وعده‌ی الهی را قبول کنیم، تجربه‌ی ما به ما این را نشان می‌دهد. کدام از عناصر اصلی انقلاب و دوستان انقلاب و طرفداران انقلاب و دشمنان انقلاب، چهل سال قبل از این، احتمال می‌دادند که یک چنین اتفاقی در کشور بیفتد؟ اما شد؛ به خاطر توکل به خدای متعال... (۱۳۸۹/۰۵/۲۷)	اعتماد به خداوند حتماً به نتیجه می‌رسد
۱۷.	امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر میکنند؛ لیبک میگویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. ... او تکیه‌ی به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد؛ بعد هم مسئله‌ی بسیج را مطرح کرد. (۳۱/۰۵/۱۳۸۵)	اعتماد امام خمینی به مردم موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد
۱۸.	اعتماد مردم به مسولان، کشور را نجات داده است. این اعتماد، در طول دوران حیات با برکت امام عزیزمان، به مسولان شجاعت و جرات کار داده است. (۲۸/۰۷/۱۳۶۸)	اعتماد به مردم به مسولان شجاعت می‌بخشد
۱۹.	قوام نظام جمهوری اسلامی به اعتمادهای مردم نسبت به کسانی است که برای تصدی مراکز قدرت انتخاب می‌کنند (۰۶/۱۲/۱۳۸۱).	بقای نظام جمهوری اسلامی به اعتماد مردم باز می‌گردد
۲۰.	باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آنها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند. نظام ما تا حالا اینگونه بوده است؛ بعد از این هم باید اینطور باشد. بزرگترین بحرانها را هم همین عاطفه و محبت مردم از سر خواهد گذراند... پنج، شش سال قبل به مردم می‌گفتیم که همه باید به عنوان جهاد مالی به جنگ کمک کنند؛ مردم هم مثل مور و ملخ به طرف بانکها ریختند، تا به حساب مالی شورای عالی پشتیبانی جنگ یول بریزند. (۱۳۷۰/۰۵/۲۳)	اعتماد مردم به نظام، موجب جلوگیری از بحران‌هاست
۲۱.	ملت به مسولان خود اعتماد دارد؛ می‌داند که آنان آنچه می‌کنند و آنچه می‌گویند، برای شخص، برای قدرت و برای زر و زور نیست. (۲۱/۰۸/۱۳۸۵)	عامل اعتماد مردم به مسولین، اعتقاد به عدم وجود انگیزه‌های شخصی در مسولین است
۲۲.	مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قایل نشدیم - مگر حدی که در دسر قضایی درست بکنند! - و هرچه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی میماند؟ (۱۳۷۰/۰۵/۲۳)	درازدستی به بیت‌المال موجب بی‌اعتمادی مردم به مسولان می‌گردد.

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱.	رهبری به تک تک مردم اعتماد دارد	اعتماد متقابل مردم و رهبری	اعتماد متقابل میان مردم و نظام سیاسی برقرار است
۲.	امام خمینی به مردم اعتماد داشت		
۳.	امام خمینی به مردم باور داشت		
۴.	دولت باید مردم را قبول داشته باشد	اعتماد متقابل مردم و مسئولان	
۵.	لازم است مردم به دولت‌ها اعتماد داشته باشند		
۶.	مردم نباید نسبت به کارگزاران بی‌اعتماد شوند		
۷.	دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت همه‌ی مردم قرار داشته باشند		
۸.	اعتماد به مسئولین وظیفه است اما اشکالات دولت بیان شود		
۹.	رهبری اجازه نمی‌دهد مردم نسبت به دولت بی‌اعتماد شوند		
۱۰.	رهبری از همه‌ی دولت‌ها حمایت می‌کند		
۱۱.	منتخب مردم، مورد اعتماد و احترام رهبری است		
۱۲.	باید به خداوند اعتماد داشت	اعتماد به خداوند ضروری است	لزوم اعتقاد و ایمان به حرکت عمومی مردم
۱۳.	توکل به خداوند و اعتماد به او ضروری است		
۱۴.	رهبری به حرکت عمومی اعتماد دارد		
۱۵.	امام خمینی به ملت‌ها اعتماد داشت	حرکت جمعی قابل اعتماد است	
۱۶.	اعتماد به مردم ریشه‌ی الهی دارد		
۱۷.	اعتماد به مردم به مسئولان شجاعت می‌بخشد	اعتماد به مردم موجب ایجاد و بقای نظام جمهوری اسلامی شده است	کاهش اعتماد عمومی موجب زوال نظام سیاسی خواهد شد
۱۸.	اعتماد امام خمینی به مردم موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد		
۱۹.	بقای نظام جمهوری اسلامی به اعتماد مردم باز می‌گردد		
۲۰.	اعتماد مردم به نظام، موجب جلوگیری از بحران‌هاست		
۲۱.	عامل اعتماد مردم به مسئولین، اعتقاد به عدم وجود انگیزه‌های شخصی در مسئولین است	انگیزه‌های شخصی، مالی و سیاسی مسئولین موجب بی‌اعتمادی مردم می‌گردد	
۲۲.	درازدستی به بیت‌المال موجب بی‌اعتمادی مردم به مسئولان می‌گردد.		

۶-۲. تبدیل مضامین

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای اکنون نوبت آن می‌رسد که مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه‌ای انتزاع شوند. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاع‌تری دست یابیم که ما را به مضمون‌های اصلی‌تر، فراگیرتر و مرکزی‌تر رهنمون سازد.

۶-۳. کشف و توصیف شبکه‌ی مضامین

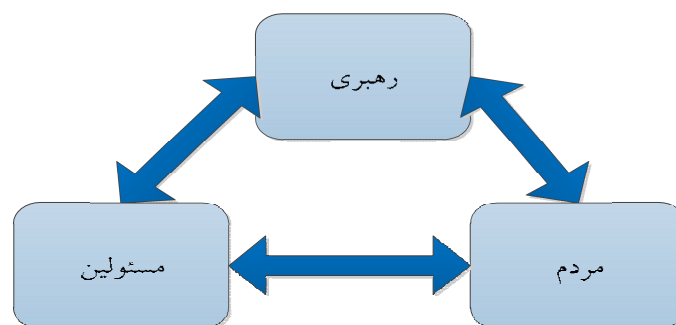
با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با اعتماد به سه مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۶-۳-۱. اعتماد متقابل میان مردم و اجزای نظام سیاسی برقرار است

متقابل بودن روابط اعتماد در مضامین به دست آمده کاملاً آشکار و واضح است. می‌توان تصور کرد که یک رابطه‌ی یک طرفه اعتماد‌آمیز برقرار شود. در نظام‌های دیکتاتوری معمولاً روابط اعتماد یک طرفه است و همه‌ی افراد موظف هستند که به سیستم اعتماد داشته باشند. اما نظام سیاسی معمولاً به همه‌ی افراد جامعه و حتی خود کارگزاران سیستم مشکوک و بی‌اعتماد است. اما در نظام اسلامی تأکید رهبری بر این است که روابط میان بخش‌های مختلف لازم است بر اساس اعتماد متقابل باشد. همانگونه که مردم لازم است به مسئولین اعتماد داشته باشند، کارگزاران سیاسی هم موظف هستند به مردم اعتماد نمایند.

الگوی اعتماد در جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که رابطه‌ی دوطرفه میان همه‌ی بخش‌های نظام سیاسی (مردم، دولت و رهبری) برقرار است. در این فضای اعتماد‌آمیز است که امکان مشارکت وجود دارد. زیرا اگر اعتماد میان مردم و سایر اجزای نظام سیاسی وجود نداشته باشد مشارکت عمومی ممکن نخواهد بود.

شکل ۱: اعتماد متقابل میان مردم، رهبری و مسئولین



۶-۳-۲. لزوم اعتقاد و ایمان به حرکت عمومی مردم

در سپهر اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی اگر حرکتی جمعی در جامعه شکل گرفت این اقدام جمعی و عمومی قابل اعتماد است و لازم است دولت و حاکمیت کاملاً به آن اعتماد داشته باشند. ریشه‌ی این اعتماد در الهی بودن حرکت‌های عمومی است. مقدس بودن و الهی بودن حرکت‌های عمومی موجب می‌شود که از نظر مؤمنان و معتقدان، خواست و اقدام مردم نتیجه‌بخش در نظر گرفته شود. بنابراین اعتماد عمومی دارای توان و قابلیت است که می‌تواند مورد اتکای سیاستگذاران قرار گیرد.

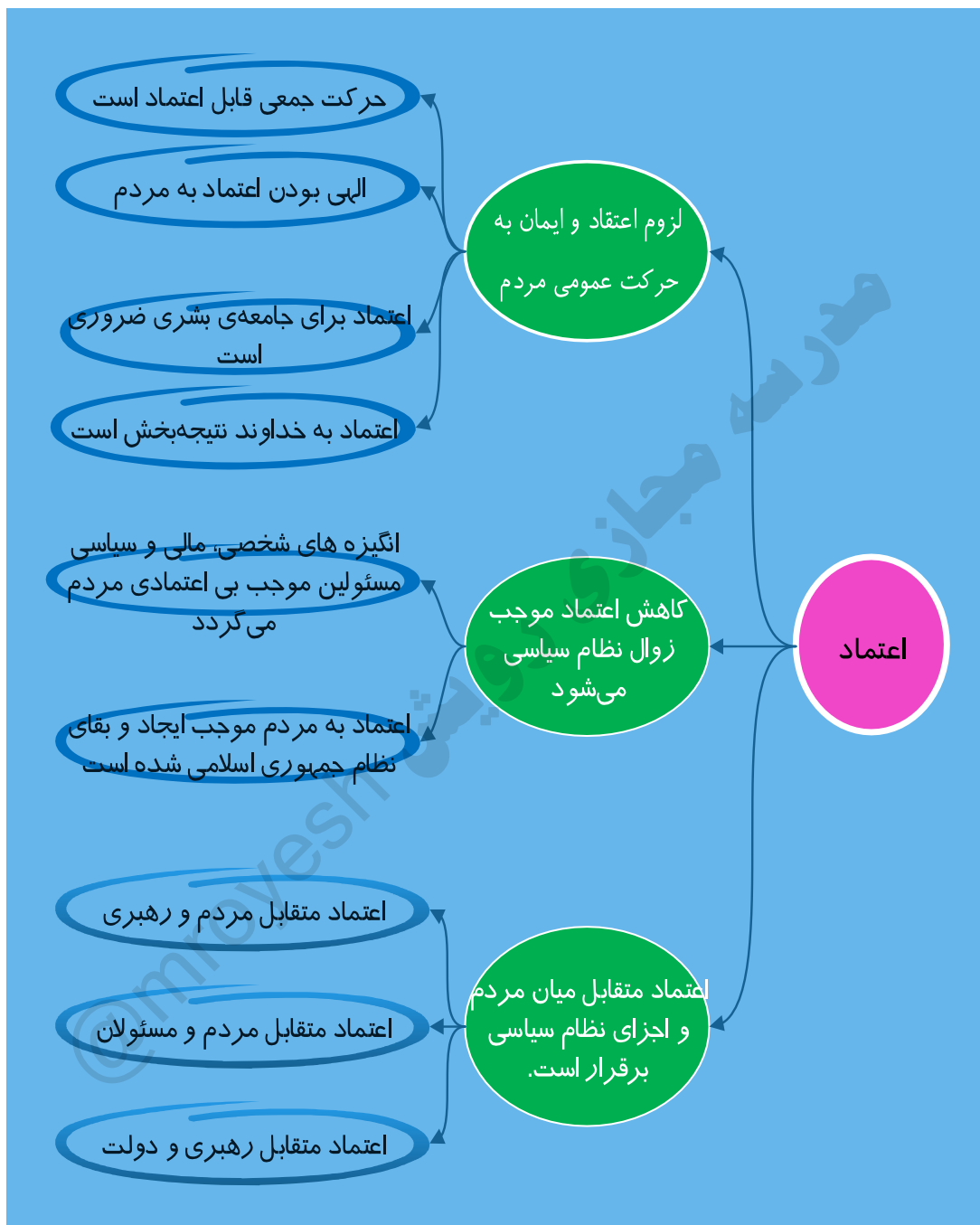
منظور از حرکت جمعی به هیچ عنوان حرکت‌های توده‌وار و ناآگاهانه نیست. بلکه آنچه در اندیشه‌ی رهبری به عنوان حرکت جمعی معرفی شده جنبش‌های آگاهانه و همراه با بصیرت است که با هدف رسیدن به یک هدف مقدس و قابل توجه صورت می‌گیرد. به همین دلیل است که این نوع حرکت‌های جمعی مهم و مقدس است و لازم است مورد اعتنا قرار گیرد.

۶-۳-۳. کاهش اعتماد موجب زوال نظام سیاسی می‌گردد

یکی دیگر از مضامین فراگیر و اصلی که در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی قابل ردیابی است، به ضرورت و حفظ اعتماد عمومی باز می‌گردد. از آنجایی که منشأ و عامل پیروزی انقلاب اسلامی اعتماد عمومی بود و ادامه‌ی حیات و بقای نظام جمهوری اسلامی نیز به حفظ این اعتماد عمومی باز می‌گردد، هر گونه اقدامی که به کاهش و تضعیف اعتماد عمومی منجر شود باعث زوال نظام سیاسی جمهوری اسلامی خواهد شد. اقداماتی که به جای منافع عمومی منفعت‌طلبی‌های شخصی را در نظر دارد از جمله‌ی روندهایی است که می‌تواند اعتماد عمومی را در معرض تهدید قرار دهد.

در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی بی‌پروایی در استفاده از بیت‌المال موجب می‌شود که اعتماد مردم نسبت به مسئولین کاهش یابد. این هشدار جدی است که نباید اعتماد عمومی به نظام سیاسی کاهش یابد. زیرا بقای نظام سیاسی جمهوری اسلامی به اعتماد عمومی باز می‌گردد و اگر این اعتماد عمومی تخریب شود ادامه‌ی حیات جمهوری اسلامی با خطر مواجه می‌گردد.

نمودار ۲: شبکه مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای



۷. نتیجه‌گیری

روش تحلیل مضمونی یکی از روش‌های کیفی است که در علوم سیاسی می‌تواند کاربرد زیادی داشته باشد. روش تحلیل مضمونی روشی است که می‌تواند از دل متن، مضامین مهمی که در آن نهفته است را آشکار نماید. این روش که یکی از پایه‌ای‌ترین روش‌های کیفی است می‌تواند در تحقیقات مختلف علوم سیاسی به کار گرفته شود.

در این پژوهش کاربرد روش تحلیل مضمونی در عمل نشان داده شد و مضامینی که در ابتدا ناپیدا بودند از متن استخراج شدند. در گام اول جملاتی که در متن وجود داشتند مورد تحلیل قرار گرفتند و مضامین درونی آنها استخراج شد. در گام بعدی این مضامین ترکیب، ادغام و بازسازماندهی شدند تا به مفاهیم انتزاعی‌تری به نام مضامین سازمان‌دهنده برسیم. مضامین فراگیر که عام‌ترین نوع مفاهیم موجود در متن مورد بررسی بود از این مضامین سازمان‌دهنده استخراج شدند.

تحلیل شبکه‌ی موجود در این متن ما را به الگویی می‌رساند که توضیح‌دهنده‌ی ساختار و منطق کلی متن است. به وسیله‌ی تحلیل مضمونی می‌توان به استخراج روشمند و منظم اندیشه دست زد و این نتیجه‌ای است که در علوم سیاسی ارزش زیادی دارد. با تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به سه گزاره‌ی اصلی و فراگیر رسیدیم:

(الف) «اعتماد متقابل است»: با توجه به این گزاره می‌توان نتیجه گرفت که اعتماد در اندیشه‌ی رهبری یک بردار یکسویه نیست. بنابراین اگر قرار است اعتماد مردم نسبت به کارگزاران جلب شود لازم است که دولت نیز به مردم و حرکات‌های جمعی اعتماد داشته باشد و به آن بها بدهد.

(ب) «اعتماد عمومی ضروری است»: این گزاره‌ی فراگیر که در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی یافت شد گزاره‌ی ساده‌ای است که البته جایگاه اعتماد را اشعار می‌دارد. زمانی که از ضروری بودن یک پدیده سخن گفته می‌شود اولویت دار بودن آن مد نظر است. به دلیل ضروری بودن اعتماد لازم است که در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتی حتما حفظ اعتماد از اولویت‌های اساسی دولت و سیاست‌گذاران باشد.

(ج) «کاهش اعتماد موجب زوال نظام سیاسی می‌گردد»: این مضمون فراگیر نشان می‌دهد که در اندیشه‌ی رهبری انقلاب اسلامی اعتماد به بقای نظام سیاسی گره خورده است. اگر نظام سیاسی اعتماد مردم را از دست بدهد دیگر امیدی به حفظ و ادامه‌ی

حیات آن نیست. اعتقاد به این باور لازم است در تمام دستگاه‌های اجرایی و دولتی تسری یابد و نظام سیاسی به این نتیجه برسد که برای بقای خود نیازمند اعتماد مردم است.

منابع

اوفه، کلاوس (۱۳۸۴): «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد کرد؟» در کیان تاجبخش: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه. صص ۲۰۱-۲۷۵.

پیتر زتومکا (۱۳۸۶): اعتماد نظریه‌ی جامعه‌شناسی. ترجمه غفاری. تهران: شیرازه.
شیخ‌زاده، محمد؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ فقیهی، ابوالحسن: «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». در اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.

- An Analytic Tool for Qualitative :Networks Thematic" : (۲۰۰۱) .J ,Stirling-Attride
Research Qualitative , "Research, ۴۰۵-۳۸۵ .pp
,"trust and loyalty ,Confidence :emotions Social" : (۱۹۹۶) .M .J ,Barbalet
.Sociology and Social Policy Journal of International
Thematic analysis and :qualitative information Transforming : (۱۹۹۸) .E .R ,Boyatzis
.Sage :CA .code development
Qualitative , "thematic analysis in psychology Using" : (۲۰۰۶) .V ,Clarke ;.V ,Braun
.۱۰۱-۷۷ .pp ,gyResearch in Psycholo
.The Southern Journal of Philosophy , "about Trust Puzzles" : (۲۰۰۸) .S ,Doran
.Politics and society , "level epistemology of trust-street The" : (۱۹۹۳) .R ,Hardin
rust prospects for building t :and islamists in Morocco Secularists" : (۲۰۰۸) .W ,Luke
Journal for the Study of , "through human rights reform and civil society
.۴۷ Ideologies Religions and
An Expanded :Qualitative Data Analysis : (۱۹۹۴) M Huberman .A, B Miles .M
.Oaks Thousand :Canada ,Sourcebook
Sage :London .qualitative research in Interviews : (۲۰۱۰) Horrocks .C, N King
.Publications Ltd

- Building new forms of cooperation in a :trust Studied" : (۱۹۹۳) Charles ,Sabel
۶۶ Relations Human ,"volatile economy
-self ,Temporality :On constructing trust" : (۱۹۹۸) Allison ,Carter ;Linda ,Weber
The International Journal of Sociology and ,"taking-perspective and ,disclosure
۷۹ Policy Social

مدرسہ مجازی رویش @mroyesh

